

پشت پرده افشار خیم استعفاي پزشکيان پرورسي شه

## تکرار غائله استعفا

صفحه ۲



۴۵۰ هزار شغل از دست رفت

### بهار تلخ بازار کار

صفحه ۲



#### خبر

روایت نیویورک تایمز از فرسایش گزینـه‌های آ مریکا

#### تهران کوتاه نیامد، واشنگتن عقب نشست

روزنامه نیویورک‌تایمز در گزارشی با بررسی آخرین تحولات میان ایران و آمریکا، به نقل از برخی مقام‌ها و کارشناسان نوشت که تهران در برابر تهدیدهای نظامی واشنگتن بر مواضع خود باقی مانده و همزمان نگرانی از پیامدهای منطقه‌ای درگیری، بر تصمیمات آمریکا تأثیر گذاشته است.

به گزارش سیاست خارجی ایرنا، روزنامه نیویورک‌تایمز در گزارشی نوشت: هنگامی که «دونالد ترامپ» رئیس‌جمهوری آمریکا بار دیگر از تشدید نظامی تهدیدشده علیه تهران عقب‌نشینی کرد، عملا نشان داد که این ایران نیست که از جنگ هراس دارد، بلکه ترامپ از جنگ می‌ترسد. نویسندگان این گزارش ادعا می‌کنند که تهران با اتکا به متحدان منطقه‌ای خود طی هفته گذشته تلاش کرده توانایی خود را برای تهدید شماری از حیاتی‌ترین تأسیسات انرژی و آبراه‌های راهبردی جهان به نمایش بگذارد. به ادای این گزارش، هنگامی که دونالد ترامپ در روزهای اخیر هشدار داد در صورت ارائه نشدن امتیاز از سوی ایران، تشدید گسترده تنش نظامی قریب‌الوقوع خواهد بود، پیام واصله از تهران این بوده است: اگر قصد اقدام دارد، این کار را انجام دهد.

نیویورک تایمز به نقل از برخی منابع ایرانی نوشته که پس از آنکه ترامپ تهدید کرد شبکه برق ایران را هدف قرار خواهد داد، پاسخ تهران این بود: «اگر شما حمله کنید، ما نیز حمله خواهیم کرد.» «اساسان کریمی» استاد مطالعات ایران در دانشگاه تهران نیز به نیویورک‌تایمز گفت: «مقام‌های ایرانی در رفتار ترامپ برای مدیریت مذاکرات، الگویی مشخص مشاهده کرده‌اند. به گفته وی، «هر زمان که پیام‌هایی میان دو طرف ردوبدل می‌شود، ترامپ با تهدید ایران تلاش می‌کند فضای مذاکرات را تحت فشار قرار دهد تا امتیازهای بیشتری بگیرد؛ اما ایران به این آسانی تحت تأثیر چنین فشارهایی قرار نمی‌گیرد.» ترامپ روز یکشنبه اعلام کرد از برنامه خود برای تشدید تنش صرف‌نظر کرده است؛ زیرا ایران و شماری از کشورهای خاورمیانه خواستار به تعویق افتادن این اقدام شده بودند و به گفته او، «چارچوب‌های یک توافق» مورد توافق قرار گرفته است. با این حال، به نوشته نیویورک‌تایمز، هنوز هیچ نشانه آشکاری از ازسرگیری مذاکرات میان ایران و آمریکا مشاهده نمی‌شود. آنچه به نظر می‌رسد رخ داده باشد، ابراز نگرانی عربستان سعودی و قطر درباره توانایی آنها در حفاظت از تأسیسات نفت و گاز خود بوده است؛ موضوعی که دو دیپلمات منطقه‌ای نیز آن را تأیید کرده‌اند. شبکه

رسمی اخبار عربستان نیز روز یکشنبه گزارش داد «محمد بن سلمان» ولیعهد این کشور، در گفت‌وگویی با ترامپ بر «ضرورت اولویت دادن به گفت‌وگو برای کاهش تنش‌ها» و «جلوگیری از گسترش دامنه درگیری» تأکید کرده است. تحولات اخیر منطقه نیز، به نوشته این گزارش، بارتاب‌دهنده جدی بودن این نگرانی‌هاست. دو هفته پیش، نیروهای انصارالله یمن که از آنها به عنوان متحد ایران یاد می‌شود، استفاده عربستان از آبراه باب‌المندب در دریای سرخ را مسدود کردند. عربستان پیش از آن، برای دور زدن کنترل ایران بر تنگه هرمز – که اصلی‌ترین مسیر انتقال نفت از خلیج فارس به شمار می‌رود - نفت خود را از طریق خط لوله به بندرهای ساحل غربی دریای سرخ منتقل می‌کرد. در ادامه نیز، هفته گذشته دو تأسیسات بزرگ نفتی عربستان هدف حملات پهپادی قرار گرفتند؛ حملاتی که ریاض مسئولیت آن را متوجه گروه‌های همسو با ایران در عراق دانست. تهران دخالت در چنین حملاتی را قویا تکذیب کرده است. یک روز بعد نیز دو کشتی در بندر دمياط مصر دچار آتش‌سوزی شدند؛ رخدادی که مقام‌های مصری احتمال استفاده عربستان از پهپاد را قویا رد کرد. تحول مهم دیگری در این بحران بود. علی واعظ، مدیر پروژه ایران در گروه بین‌المللی بحران، این حمله را «نقطه عطف» تحولات اخیر توصیف کرد. وی گفت: حمله به اردن نشان داد که زرادخانه موشکی ایران همچنان از توان قابل توجهی برخوردار است و همچنین آشکار کرد که توان اطلاعاتی تهران بسیار بالاتر از آن چیزی است که پیش‌تر تصور می‌شد.



کاسبان تحریم چه بر سر اقتصاد ایران آوردند؟

## پشت پرده تراسستی‌ها

تراستی‌ها که در سال‌های تحریم به عنوان مسیر جایگزین انتقال پول و حفظ جریان تجارت خارجی ایران شکل گرفتند، حالا به یکی از پیچیده‌ترین پرونده‌های ارزی کشور تبدیل شده‌اند: پرونده‌ای که پای میلیاردها دلار منابع نفتی، نحوه انتخاب واسطه‌ها و میزان نظارت بر شبکه‌های مالی غیررسمی را به میان کشیده‌است.

سال‌ها نام «تراستی‌ها» در اقتصاد ایران واژه‌ای کم‌شنیده بود؛ اصطلاحی که بیشتر در جلسات محدود نفتی، ارزی و بانکی مطرح می‌شد و اطلاعات درباره آن به دلیل ماهیت فعالیت این شبکه‌ها، کمتر در معرض افکار عمومی قرار می‌گرفت. اما در سال‌های اخیر، هم‌زمان با افزایش فشارهای ارزی، طرح ادعاهایی درباره بازنگشتن منابع حاصل از صادرات نفت و ورود نهادهای نظارتی و قضایی، تراستی‌ها به یکی از مهم‌ترین پرونده‌های اقتصادی کشور تبدیل شدند؛ پرونده‌ای که پرسش اصلی آن دیگر فقط این نیست که «تراستی‌ها چه کسانی هستند؟» بلکه این است که چگونه شبکه‌ای که قرار بود در شرایط تحریم به اقتصاد ایران کمک کند، به یکی از نقاط آسیب‌پذیر مدیریت منابع ارزی تبدیل شد.

ماجرای تراستی‌ها بدون درک شرایط تحریم قابل فهم نیست. نقطه آغاز این داستان به سال ۱۳۹۷ بازمی‌گردد؛ زمانی که دولت آمریکا به ریاست دونالد ترامپ از توافق هسته‌ای برجام خارج شد و تحریم‌های نفتی و مالی علیه ایران را بازگرداند. یکی از مهم‌ترین پیامدهای این تصمیم، محدود شدن دسترسی ایران به شبکه بانکی بین‌المللی بود. بانک‌های خارجی که پیش از آن نیز به دلیل فشارهای آمریکا با احتیاط با ایران همکاری می‌کردند، پس از بازگشت تحریم‌ها عملاً از بسیاری از تعاملات مالی با ایران فاصله گرفتند.

در چنین شرایطی، اقتصاد ایران با یک مسئله اساسی مواجه شد: چگونه باید منابع حاصل از صادرات نفت، محصولات پتروشیمی و سایر کالاهای صادراتی را دریافت و به داخل کشور منتقل کرد؟

شرح در صفحه ۲



فیلرپلی‌مالی چیست؟

### روباپردازی تاج برای فوتبال ایران

صفحه ۵



چه کسی برنامه تلویزیونی «فوتبال ۳۶۰» عادل را خاموش کرد؟

### مسدود سازی بی‌مرجع

صفحه ۲

چرا ایران تصویب کنوانسیون آکتانور ا بررسی می کند؟

## رژیم حقوقی دریای خزر؛ کلید حراست از امنیت مرزهای شمالی

نمی‌شود. موضوع تعیین خط مبدأ قرار است در چارچوب دیگری دریای آن گفت‌وگو شود. در یک جمع‌بندی کلی، فکر می‌کنیم تصویب این کنوانسیون توسط ایران، که به منزله لازم‌الاجرا شدن آن خواهد بود، زیرا برای اجرایی شدن این کنوانسیون لازم است هر پنج کشور ساحلی آن را تصویب کنند، زمینه مناسبی را برای تقویت همکاری و اعتماد میان پنج کشور عضو این کنوانسیون فراهم خواهد کرد.»

**آیا کنوانسیون آکتائو سهم ایران را از پهنه خزر تعیین می‌کند؟**

ویژگی مهم کنوانسیون وضعیت حقوقی دریای خزر این است که این کنوانسیون یک «پیمان چارچوبی» (Framework Convention) است و اصول کلی را مشخص می‌کند؛ بنابراین هیچ سهم، عدد، درصد یا خط مرزی برای بستر دریا تعیین نکرده است. در عوض، برخی ادعاهای مطرح شده در مورد درصد سهم ایران از دریای خزر پس از تصویب این کنوانسیون کاملاً بر پایه ناآگاهی یا اطلاعات غلط است. برخی از اعداد مانند سهم ۱۳ درصدی ایران از پهنه آبی خزر حاصل برخی محاسبات ریاضی ساده بر اساس خطوط ساحلی طبیعی است، نه سهم قانونی تعیین‌شده در معاهده. چهار کشور شمالی (روسیه، قزاقستان، آذربایجان و ترکمنستان) بر اساس توافقات دوجانبه (مانند موافقت‌نامه ۱۹۹۸ روسیه و قزاقستان)، بستر بخش شمالی را بین خود تقسیم کردند. اما سهم بستر در بخش جنوبی خزر کاملاً منوط به مذاکرات دوجانبه و سه‌جانبه مستقیم بین ایران، جمهوری آذربایجان و ترکمنستان باقی مانده است.

استدلال‌هایی نیز در مورد موضع ضعف ایران به دلیل شکل سواحل ایران در دریای خزر مطرح می‌شود. ایران صرفاً یک هفتم از خط ساحلی دریای خزر را در اختیار دارد و این ساحل نیز به شکل مکعب و فرورفته است که باعث می‌شود در صورت تعیین خط مبدأ به صورت طبیعی، سهم بسیار ناچیزی از آ‌ب‌ها، بستر و زیر بستر دریا به ایران تعلق پیدا خواهد گرفت.»

این بند رسماً اعتراف می‌کند که شکل مقعر ساحل ایران یک «ضعفیت ناساعد ویژه» است و باید خط مبدأ آن به صورت استثنایی و بر اساس انصاف جریان شود. در نتیجه تعیین خط مبدأ برای تحدید حدود ایران و کشورهای همسایه (جمهوری‌های آذربایجان و ترکمنستان) منوط به مذاکرات دو جانبه و سه جانبه برای تعیین خط مبدأ است. در نهایت اگر سه کشور جنوبی برای تعیین خطوط مبدأ به توافق برسند، نهایتاً یک توافق ۵ جانبه نیز برای تصویب نهایی خطوط مبدأ مورد نیاز است. در واقع تصویب این کنوانسیون هیچ تعهدی برای تعیین خط مبدأ ایران ایجاد نمی‌کند و برای تعیین خطوط مبدأ باید مذاکرات جداگانه و پیمان پنج‌جانبه دیگری امضا شود.



آکتائو یک «سپر دفاعی» محکم برای مرزهای شمالی ایران ایجاد می‌کند. در موارد مختلف این سند حکم‌های قاطعی در مورد مسائل امنیتی دریای خزر به عنوان «دریای صلح و دوستی» آمده‌است.

بند ۳ ماده ۳ (انحصار دریانوردی): حق دریانوردی در خزر منحصراً متعلق به شناورهایی است که تحت پرچم یکی از ۵ کشور ساحلی ثبت شده باشند.

بند ۶ ماده ۳ (امتنوعیت حضور نیروهای بیگانه): عدم حضور نیروهای مسلح متعلق به طرف‌هایی که جزء ۵ کشور ساحلی خزر نیستند. این بند ورود شناورهای نظامی، پرسنل نظامی، ناوچه‌ها یا پایگاه‌های قدرتهای فرمانطقه‌ای (مانند آمریکا، ناتو یا ارتش اسرائیل) را قانوناً مجاز نمی‌داند. بند ۵ ماده ۳ (سلب اجازه تجاوز از خاک همسایه): عدم اختیار قرار دادن قلمرو خود توسط هیچ‌یک از طرف‌ها به کشورهای ثالث برای ارتکاب تجاوز و سایر اقدامات نظامی علیه هر یک از طرف‌های کنوانسیون.

در شرایط فعلی این مواد برای ایران اهمیت حیاتی دارند چرا که مانع از استفاده کشور ثالث از پهنه خزر یا سواحل همسایگان شمالی برای تحرکات خصمانه علیه ایران (از جمله استفاده از پهپادها و ابزارهای جاسوسی و تجهیزات جنگی) می‌شود و در عین حال هرگونه پوشش مشارکتی، آموزشی یا مستشاری نظامی کشورهای غیرساحلی را منع می‌کند. در همین راستا، اسماعیل بغائی، سخنگوی وزارت خارجه پیش‌تر در نشست خبری روز دوشنبه ۱۲ مرداد ماه در پاسخ به پرسشی در این خصوص گفت: «طبیعتاً وقتی می‌خواهیم به یک سند مهم بین‌المللی که دارای ابعاد حقوقی، سیاسی و امنیتی است ملحق شویم، باید با دقت و با در نظر گرفتن همه ابعاد آن تصمیم‌گیری کنیم. این روند انجام شده و فکر می‌شود تصویب این سند در مجلس شورای اسلامی جمهوری اسلامی ایران، زمینه را هم برای همکاری میان کشورهای ساحلی خزر و هم برای جلوگیری از سوءاستفاده‌هایی که ممکن است بازیگران خارج از منطقه خزر درباره این پهنه آبی در نظر داشته باشند، فراهم می‌کند.»

بقائی خاطرنشان کرد: «در این کنوانسیون، هرگونه حضور نظامی کشورهای خارج از منطقه خزر ممنوع شده است. همچنین برخی موضوعاتی که در افکار عمومی ما به عنوان نگرانی مطرح بوده، از جمله تعیین حدود دریایی و خط مبدأ دریایی، مواردی است که در این کنوانسیون به آنها پرداخته

عبور از محدود ۱۰ مایل دریایی اختصاصی نداشتند. ادعان سفیر شوروی بر عبارت «دریای ایران و شوروی» نه از روی تأکید بر حقوق ایران، بلکه صرفاً ناشی از نگرانی مسکونسبت به حضور هر قدرت خارجی دیگر در آب‌های دریای خزر بود. با فروپاشی شوروی و رسیدن کشورهای ساحلی دریای خزر به ۵ کشور، ضرورت تدوین دقیق رژیم حقوقی دریای خزر برای جلوگیری از تنش میان همسایگان بیشتر احساس شد. در حال حاضر به جز ایران همه کشورهای ساحلی دریای خزر، کنوانسیون وضعیت حقوقی دریای خزر را در مجالس خود تصویب کرده‌اند.

با این حال برخی باورهای ناشی از ناآگاهی و تبلیغات غلط باعث شده‌است که در داخل ایران نگرانی‌های در میان افکار عمومی در مورد محتوای این کنوانسیون ایجاد شود.

**چرا در شرایط حساس جنگی؟**

سؤالی که ممکن است در افکار عمومی وجود داشته‌باشد، فارغ از محتوای نقدها و نظرها در مورد سهم ایران از این پهنه آبی، این است که چرا در شرایط جنگی فعلی دولت چنین لایحه حقوقی پیچیده و مهمی را با قید فوریت برای تصویب ارسال کرده‌است؟

نخستین مساله این است که اکنون ۸ سال از زمان امضای این توافق توسط ایران که خودش یکی از اصلی‌ترین حامیان تدوین آن بود می‌گذرد. این کنوانسیون به تصویب همه کشورهای ساحلی جز ایران رسیده‌است و تا پیش از تصویب توسط ایران، وارد مرحله اجرایی نمی‌شود. دومین نکته این است که شرایط جنگی ۱۴ ماه گذشته، ضرورت و فوریت اجرایی شدن این سند را افزایش داده‌است. چرا که ایران در طول این مدت دو بار مورد تجاوز نظامی خارجی قرار گرفته‌است و نگرانی‌ها بابت امنیت مرزهای شمالی و حضور نظامی قدرت‌های فرمانطقه‌ای در آب‌های خزر، بیش از پیش افزایش یافته‌است.

کنوانسیون آکتائو قاطعانه در مورد منع حضور نظامیان و شناورهای خارجی در منطقه حکم داده‌است. در حال حاضر برخی از کشورهای ساحلی، با استفاده از شرایط بی‌قانونی خزر آغاز کرده‌اند که می‌تواند به شدت بر امنیت ایران اثرگذار باشد. ایران و روسیه به شدت با حضور نظامی خارجی در آب‌های دریای خزر مخالف هستند. در فضای بحران‌های منطقه‌ای و بین‌المللی، بستر حقوقی